## یکسان‌سازی نرخ ارز

# راهگشا بگویید، معضل‌ساز ببینید

رییس جمهوری هنگام ارایه لایحه بودجه سال ۸۱ به مجلس، یکسان‌سازی نرخ ارز را یکی از ویژگی‌های مهم بودجه امسال ذکر کرد و بر این اساس و با توجه به اظهارات رییس سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی در سال آینده نرخ ارز ۷۷۰ تومان تعیین شده است. قرار است دولت مابه‌التفاوت ریالی نرخ ارز کالاهای اساسی را پرداخت کند. اما در مورد یکسان نرخ ارز، دیدگاه‌های متفاوتی مطرح است. مدافعان نظام تک‌نرخی ارز، معتقدند: این اقدام رانت‌جویی‌ها را از بین خواهد برد و به شفافیت قیمت‌ها می‌انجامد. در کنار این دیدگاه برخی از کارشناسان نیز معتقدند شرایط اقتصادی کشور آماده یکسان‌سازی نرخ ارز نبوده و عده‌ای حتی اعتقادی به اینکه در سال آینده نظام تک‌نرخی حاکم شده است ندارند به منظور بررسی ابعاد و پیامدهای این تصمیم دولت با چند تن از صاحبنظران اقتصادی گفت‌وگو کرده‌ایم. ۱.دکتر یدالله دادگر استاد اقتصاد دانشگاه تربیت مدرس ۲.دکتر احمد میدری استاد اقتصاد و نماینده آبادان در مجلس ۳.قاسم مهرزاد صدیقانی نماینده سابق مجلس و کارشناس مسایل اقتصادی ۴.دکتر محسن رنانی استاد اقتصاد دانشگاه اصفهان ۵.دکتر علی قنبری، نایب رییس کمیسیون برنامه و بودجه

دکتر یدالله دادگر، استاد اقتصاد دانشگاه تربیت مدرس معتقد است، تمامی تئوری‌های اقتصادی با فرض وجود یک ساختار اقتصادی شفاف و متعادل و ثبات سایر متغیرهای اقتصادی (یکسان‌سازی نرخ ارز) حمایت می‌کنند. او می‌گوید: شرایط عمومی اقتصاد ایران فاقد زیرساخت‌ها و عوامل لازم برای یکسان‌سازی نرخ است. مشروح گفت‌وگوی دکتر دادگر با حیات نو را می‌خوانید:

**هدف از یکسان‌سازی نرخ ارز با توجه به مباحث نظری آن چیست؟**

در قالب بحث تئوریک معمولا یک عامل اصلی یا یک هدف اصلی را برای یکسان‌سازی نرخ ارز بیان می‌کنیم و آن شفافیت قیمت‌ها به طور کلی و شفافیت نرخ ارز به طور خاص است.

به عبارت بهتر، در یک اقتصاد متعارف و سالم و با فرض ثبات سایر متغیرها، دلیلی برای چند نرخی بودن ارز وجود ندارد. مثل تمام مسایل دیگر، مگر اینکه توجیهات ویژه‌ای برای چند قیمتی بودن یا چند نرخی بودن مطرح شود.

عامل دیگری که در مورد حاکم شدن یک نرخ بر بازار ارز مطرح می‌شود، جلوگیری از منافع رانتی است که ممکن است چند نرخی بودن بدون توجیه قوی و منطق اقتصادی، باعث انحراف در توزیع درآمدها به شکل غیراقتصادی شود که رانت‌خواری یکی از مصادیق آن است. یعنی افرادی می‌توانند با استفاده از امکاناتی با قیمت‌های چندگانه منافعی را به دست آورند که دیگران نمی‌توانند. بر این اساس با فرض یک اقتصاد متعارف و متعادل و فرض ثبات سایر متغیرها، تئوری‌های علم اقتصاد از نرخ ارز واحد که نیروهای بازار عمدتا آن را ایجاد کرده باشند، پشتیبانی می‌کنند. اما اگر اقتصاد دارای وضعیت خاصی باشد یا دولت استراتژی خاصی داشته باشد، برای مثال در شرایط بحران یا عدم ثبات اقتصادی یا برای تغییر در صادرات و واردات و یا حمایت از برخی صنایع خاص، دولت می‌تواند در زمینه نرخ ارز چندگانگی ایجاد کند، در غیر این صورت پایه‌های تئوریک بحث «مدافع چندنرخی شدن ارز نیست.

**شما در صحبت‌هایتان به مسئله رانت‌خواری اشاره کردید. در واقع تعدد نرخ ارز اختلالاتی را در اقتصاد کشور به وجود آورده است. اختلال در نسبت قیمت‌ها و تخصیص غیربهینه منابع و تشدید فعالیت‌های رانت‌جویانه از مهم‌ترین این مسایل هستند. آیا سیاست یکسان‌سازی نرخ ارز می‌تواند این مشکلات را برطرف کند خصوصا در بحث رانت‌خواری چه تاثیری بر جای خواهد گذاشت؟**

با توجه به شرایط موجود کشور من معتقد نیستم که نظام یکسان‌سازی نرخ ارز نتایج قابل توجهی در مورد حذف رانت خواری در اقتصاد ایران داشته باشد.

در یک اقتصاد سالم می‌توان، انتظار چنین تاثیری را داشت؛ یعنی منطق اقتصادی حکم می‌کند که چنین تاثیری داشته باشد. اما در اقتصاد ایران تاکنون هم سیاست‌های همسو با آزادسازی و یکسان‌سازی ارز با این هدف مطرح شده و متاسفانه تاثیر اساسی در حذف رانت‌جویی و رانت‌خواری نداشته است. این نشان می‌دهد که به همراه یکسری عوامل زیرساختی دیگر می‌توان بر روی رانت‌خواری و رانت‌جویی تاثیر گذاشت و صرف این ابزار علامت دهنده خوبی برای مبارزه با رانت‌خواری نیست. زیرا عوامل رانت‌خواری در ایران صرفا مربوط به عدم شفافیت بازار نیست و خود ساختار بازار و سازمان بوروکراسی کشور و وجود موسسات خارج از کنترل و حسابرسی و بازرسی مالی و پولی و سازمان غیرمنضبط بخش دولتی عمده‌ترین عوامل کلیدی درخصوص رانت‌خواری در کشور هستند.

**باتوجه به اینکه در مورد یکسان‌سازی نرخ ارز باید زمینه‌سازهایی صورت بگیرد و خود شما نیز این مسئله را بیان کردید، به نظر شما آیا در شرایط فعلی اقتصاد کشور امکان این زمینه‌سازی‌ها وجود دارد؟**

تجربه ۱۲-۱۰ سال اقتصاد ایران نشان داده است که صرفا با توصیه‌ها و تحرکات غیررسمی، امکان حرکت اساسی برای ایجاد نظام، اقتصادی متعادل در کشور ما وجود ندارد. البته مثلا قرار است ما به التفاوت ریالی بخشی از افزایش نرخ ارز نسبت به نرخ ارز شناور را دولت پرداخت کند. اما هم سابقه اینگونه سیاست‌های دولتی و هم هزینه‌بری شرکت‌های متقاضی ارز شناور نشان می‌دهد و باعث می‌شود که از منافع آن صرف نظر کنند. یعنی سیستم اداری ما به قدری مشکل‌آفرین است که گاهی شرکت‌هایی که می‌خواهند از طریق مجامع رسمی آن منافع مصوب را کسب کنند، هزینه‌هایی برایشان ایجاد می‌شود که آن را رها می‌کنند. از طرفی خود سیستم دولتی هم آنچنان کارآمد نیست که آن حلقه را شفاف بپوشاند. بنابراین، از این جهت نمی‌توان امید زیادی به آن داشت. از سوی دیگر زمینه‌های قانونی هم فراهم نیست، یعنی کمبود قانون، عدم شفافیت قانون یا راه‌های فرار از قانون متاسفانه وجود دارد. این عدم شفافیت در سازمان برنامه و بودجه، مصوبات شورای عالی پول و اعتبار و هم دستورالعمل‌های مجامع وزارتخانه‌های دولتی وجود دارد که به سایر عوامل ساختاری اقتصاد ایران اضافه شود.

**مهم‌ترین زمینه‌سازی‌هایی که باید برای یکسان‌سازی نرخ ارز صورت بگیرد چه مواردی هستند؟**

اولین نکته انضباط مالی خود دولت است، یعنی یک مدیریت منضبط در بخش پولی و مالی در این خصوص حیاتی است که متاسفانه در حال حاضر فاقد آن هستیم. همچنین نکته دیگر قانون‌پذیری و مسئولیت‌پذیری کارگزاران اقتصادی است که متاسفانه فاقد آن هستیم. عدم بهره‌گیری از نظرات کارشناسی در حوزه‌های تصمیم‌گیری اقتصادی و عدم نظارت بر کارکرد مجامع رسمی پولی و مالی از موارد دیگری است که می‌توان به آن اشاره کرد. برای مثال باید بررسی شود مصوبات شورالی عالی پول و

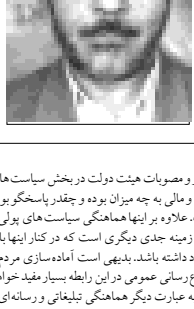

احمد میدری: این تغییر حسابداری در بودجه است ، نه یکسان سازی نرخ ارز

مهرزادصدقیانی: نرخ یکسان ارز تورم زا نخواهد بود

اعتبار و مصوبات هیئت دولت در بخش سیاست‌های پولی و مالی به چه میزان بوده و چقدر پاسخگو بوده است. علاوه بر اینها هماهنگی سیاست‌های پولی و مالی زمینه جدی دیگری است که در کنار اینها باید وجود داشته باشد. بدیهی است آماده‌سازی مردم و اطلاع‌رسانی عمومی در این رابطه بسیار مفید خواهد بود. به عبارت دیگر هماهنگی تبلیغاتی و رسانه‌ای و توجیه مردم که با کسب اطلاعات از دولت بتوانند درست تصمیم بگیرند، ولی متاسفانه این هماهنگی در کشور وجود ندارد. توجیه صاحبان صنایع و شرکت‌های بخش خصوصی و دولتی از اقدام‌های بعدی در راستای کارایی بیشتر سیاست یکسان‌سازی نرخ ارز محسوب می‌شوند که با وجود آغاز تلاش‌های مقدماتی، تحرک اساسی در زمینه‌های فوق صورت نگرفته است.

**یکی از مسایلی که مطرح می‌شود پرداخت ما به‌التفاوت نرخ ارز در نظام تک نرخی برای کالاهای اساسی است. برخی معتقدند که اگر این ما به التفاوت پرداخت شود مطالبات بانک مرکزی از دولت افزایش پیدا می‌کند. لطفا در این مورد توضیح دهید.**

این مورد که طلب بانک مرکزی افزایش پیدا می‌کند درست است. یعنی در واقع افزایش [illegible]

می‌شود و نقدینگی جدیدی وارد سیستم پولی می‌شود و حجم پول یک افزایش خواهند داشت. از سوی دیگر وجه که ما دلارهای ۱۷۵ تومانی را ۸۰۰ تومان یا ۹۰۰ تومان می‌فروشیم، یک مقدار افزایش ریالی درآمد برای دولت ایجاد می‌کند. این افزایش ریالی در صورتی که طبق پیش‌بینی و نظر کارشناسی عمل شود، مقداری از بدهی‌های بخش دولتی را کم می‌کند. ولی این صرفا موردی است که بر روی کاغذ نوشته شده و تعبیرهای غیرواقعی در اقتصاد است و نه حقیقی. از آن طرف فشارهای این سیاست را بر کل اقتصاد باید ملاحظه کرد. به عبارت دیگر اقتصاددان‌ها وقتی منافع یک سیاست را دنبال می‌کنند، باید هزینه‌های آن سیاست را هم بررسی کنند. از جهت اینکه منافع ریالی بخش دولتی افزایش پیدا می‌کند و از جهت اینکه بدهی‌های دولت به بانک مرکزی کاهش پیدا می‌کند، منفعت است ولی فشار هزینه‌های آن بر روی جامعه زیان جدی است و در واقع مجموعه منافع و هزینه‌ها را باید باهم سنجید تا ببینیم این سیاست کارآمد است یا خیر. افزایش قیمت‌ها و افزایش نقدینگی و ایجاد اختلال در بازارهای پولی و مالی باید در ارزیابی سیاست یکسان‌سازی ارز را نیز در نظر بگیریم.

**آیا در شرایط عمومی اقتصاد کشور باتوجه به بالابودن نرخ تورم، یکسان‌سازی نرخ ارز می‌تواند از افزایش تورم جلوگیری کند باتوجه به اینکه بسیاری از کارشناسان معتقدند سیاست یکسان‌سازی نرخ ارز موجب افزایش تورم می‌شود؟**

وضعیت خود این سیاست و سوابق اقتصادی کشور نشان می‌دهد که این اقدام تورم را بالا خواهد برد. از یک جهت میزان نقدینگی افزایش پیدا می‌کند که عامل مستقلی در افزایش تورم است یعنی تقریبا اکثریت صاحبنظران اقتصادی ابعاد تورم و افزایش نقدینگی را قبول دارند. چه پول‌گرایان که به طور اساسی آن را قبول دارند و چه سایر دیدگاه‌ها که اصل آن را می‌پذیرند. از جهت دیگر خود نرخ ارز باتوجه به اینکه تک نرخی خواهد شد، هزینه بسیاری از شرکت‌های خصوصی و دولتی را بالا خواهد برد. لذا از طریق فشار هزینه هم یک افزایش را در تورم خواهیم داشت. یعنی هم فشار تقاضا بر روی تورم تاثیرگذار است و هم فشار هزینه، به‌ویژه شرکت‌هایی که قبلا با دلارهای شناور هزینه می‌کردند و حال ناچار هستند با دلارهای آزاد کارشان را انجام دهند. بنابراین هزینه تولید و هزینه خدمات آنها افزایش پیدا می‌کند و به طور قطع هزینه تولیدات آنها بالا خواهد رفت. بعد دیگر این سیاست، ایجاد تقاضای جدید برای ارز است که این شعار مدافعین سیاست یکسان‌سازی نرخ ارز است که معتقدند متقاضیان ارز بیشتر خواهند شد و اگر چنین شود بازهم کمبود منابع ارزی، عامل دیگری در افزایش تورم است یعنی انتظارات تورمی افزایش پیدا می‌کند و تاثیر جدیدی بر افزایش تورم خواهد گذاشت. بنابراین به اعتقاد من سیاست یکسان‌سازی نرخ ارز از چند بعد بر روی تورم تاثیرگذار خواهد بود. بر فرض اینکه آثار روانی بر روی جامعه را صفر در نظر بگیریم، یعنی دولت به گونه‌ای عمل کند و کارگزاران به گونه‌ای توجیه باشند و آثار روانی آن هم بر مردم تاثیرنگذارد و مردم آن را بپذیرند، حداقل آن مواردی را که ذکر کردم باز موجب تورم خواهد شد. ولی هم آثار روانی در جامعه ما وجود دارد و هم دولت نخواهد توانست به تعهداتش در اختلاف ارز شناور و ارز آزاد عمل کند. به اعتقاد من حداقل در کوتاه مدت چون دولت نمی‌تواند به تعهداتش عمل کند و هزینه معاملات که بحث جدی در اقتصاد است افزایش پیدا می‌کند، خود این عامل بازهم تاثیر جدی در افزایش تورم خواهد داشت. بعضی در مجموع اینکه این سیاست حداقل در کوتاه مدت تورم را افزایش می‌دهد، بنابراین در یک نتیجه‌گیری کلی اولا باتوجه به سوابق و تجربیات سایر کشورها که سیاست‌های یک حرکت به سوی آزادسازی نرخ ارز را تصریح می‌کرده است، در کشور ایران تورم زا بوده است که تجربه سال‌های ۷۳، ۷۴، ۷۷ و ۷۸ در این رابطه قابل توجه می‌باشد. ثانیا موضوع انتظارات تورمی در شرایط فعلی و پیش‌بینی تورم زایی سیاست یکسان‌سازی نرخ ارز در آینده، اثر تورمی دیگر را به دنبال خواهد داشت. ثالثا آثار روانی این سیاست در کشور ما قابل توجه خواهد بود. رابعا برخی صنایع استراتژیک که نیازمند به حمایت دولت بوده‌اند و چند نرخی بودن ارز، نوعی کمک به آنها محسوب می‌شود، تضعیف می‌شوند. هر چند که دولت پیش‌بینی کرده است که ما به التفاوت قیمت ارز شناور را در مورد تولیدات و خدمات حمایتی به صورت ریالی پرداخت کند.

**مبانی تعیین نرخ ارز و نحوه دست یافتن به آن چیست؟ آیا نرخ ارز باید توسط دولت تعیین شود و یا بازار؟ و چنانچه دولت این کار را انجام دهد آیا [illegible]**

در حال حاضر در تمام سیستم‌های اقتصاد مختلط دنیا این کار را انجام می‌دهد. یعنی بازار و یا دولت هر کدام به تنهایی و نرخ ارز را تعیین نمی‌کنند.

اما در جاهایی که بانک مرکزی استقلال دارد و همچنین سازمان اقتصادی، سازمان متعادلی است، خود سیستم بازار هماهنگ با سیاست‌های دولت نرخ ارز را تعیین می‌کند یعنی اینکه نظام بازار به گونه‌ای با سیاست‌های پولی، سیاست‌های بانک مرکزی و دولت هماهنگ هستند و اهرم‌های بازار هم کار می‌کنند. اگر اقتصاد آزاد و سالمی داشته باشیم، حداقل در بلندمدت نیازی به دخالت‌های مکرر دولت در تعیین نرخ ارز نیست. اما درکشور ما مصالح کلی اقتصادی اقتضا می‌کند که دولت در کنار بازار حرکت کند. چون نیروهای بازار در کشور ما نیروهای کارآمد و پاسخگویی نیستند. یعنی از طرفی دولت به شکل دستوری مناسب نیست وارد شود و از سوی دیگر بازار هم آن ساختار اقتصادی و ساختار کارآمد را ندارد که نیروهای بازار کاملا بتوانند نرخ ارز را در کشور ما تعیین کنند، بنابراین در کوتاه مدت این دو اهرم یعنی دولت و بازار باید در کنار هم و بر اساس هماهنگی سیاست‌های پولی و مالی عمل کنند ولی در میان مدت دولت تنها زمانی که نارسایی جدی در بازار ارز ایجاد شود می‌تواند وارد عمل شود. یعنی اهرم‌های بازار کار کنند، نیروهای علامت‌دهنده بازار کار کنند و هر گاه اختلالاتی به وجود آمد دولت وارد عمل شود. یکی از اقتصاددان‌های مشهور دنیا «پروفسور استیگلیتز» نیز که جایزه نوبل ۲۰۰۱ را گرفت بر روی ناموفق بودن تجربه در اختیار کامل قرار دادن تعیین نرخ ارز به دست بازار و بدون هماهنگی دولت در کشورهای جهان سوم تاکید کرده است و به عبارت دیگر به عقیده او در دهه ۸۰ اشتباهاتی در این زمینه صورت گرفته که باید اصلاح شود.

بنابراین اهرم‌های بازار باید کار کنند ولی با توجه به وضع بازار ایران، مصالح پولی، مالی دولت هم باید در کنار اهرم‌های بازار باشند.

**یعنی شما نقش دولت را در تعیین نرخ ارز پررنگ‌تر می‌دانید؟**

در کوتاه‌مدت برای کشورهایی مثل ما لازم است آن هم به دلیل اختلالات و عدم نهادینه بودن رفتارهای کارگزاران و مشکلات ساختاری بازار است، من معتقدم نقش دولت پررنگ‌تر باشد. البته نقش دولت منضبط نه دولت ناکارآمد که خود زمینه ایجاد رانت‌خواری باشد. به عبارتی منظورم دولتی با ساختار اصلاح شده اداری، پس در واقع شرط علمی این است که دخالت دولت در سیستم بازار مشروط بر کارآمد و منضبط بودن آن است.

**یکسان‌سازی نرخ ارز چه تاثیری بر واردات و صادرات خواهد گذاشت؟**

در اقتصادهای سالم اگر یکسان‌سازی انجام شود و شفافیت صورت بگیرد، انتظار تئوریک این است که با فرض رقابت‌پذیری کالاها، افزایش صادرات و کاهش واردات را به دنبال داشته باشد البته با توجه به اینکه نرخ ارز بالا خواهد رفت. یعنی وقتی نرخ ارز در اختیار بازار قرار می‌گیرد از نرخ دولتی مصوب فاصله می‌گیرد و افزایش نرخ ارز با فرض رقابتی بودن کالاها باعث می‌شود که گرایش به صادرات بیشتر شود که این در وضعیت عادی صورت می‌گیرد.

در اقتصاد ما علامت دهندگی هم به نظر من کارساز نبوده است. به عبارت دیگر حداقل در ۱۰ سال گذشته، سمت و سوی سیاست‌های آزادسازی ارز، تاثیر مثبت بر روی کلان صادرات تاثیری نداشته و بر روی خرد صادرات اثر داشته است. البته برای مثال صادرات فرش در یک دوره‌ای به دلیل آزادسازی نرخ ارز و افزایش نرخ ارز افزایش داشته است. اما به هر حال، تاثیری بر روی صادرات کلان کشور نداشته است یعنی با وجود اینکه نرخ ارز ما به صورت وسیعی افزایش داشته است، صادرات افزایش قابل توجهی نکرده و اصلا قابل قیاس نیستند. بنابراین اگر اهرم‌های اقتصاد سالم را داشتیم و صاحب کالاهای رقابت‌پذیر بودیم، (با توجه به اینکه مشکل تولید و ساختاری داریم و به جز برخی کالاها، کالاهایمان رقابت‌پذیر نیستند که بتوانیم با مانور یکسان‌سازی نرخ ارز و افزایش نرخ ارز به سمت بازار آزاد، سبگالی به افزایش صادرات و کاهش واردات بدهیم) باز هم این سیاست با تجربه ده سال گذشته امکان‌پذیر نیست.

**آیا دولت توان عرضه ارز را به میزان تقاضا خواهد داشت که از ایجاد بازار سیاه جلوگیری کند؟**

یکی از مسایلی که مطرح می‌باشد این است که نمی‌توان خیلی مطمئن بود که سیاست یکسان‌سازی نرخ ارز تقاضای ارز را بالا خواهد برد و این خود جای بحث دارد که بخش خصوصی به ویژه متقاضیان جدید ارز خواهند شد که این در درجه اول قابل بحث خواهد بود. ممکن است تقاضای ارز افزایش پیدا نکند، اما بر فرض اینکه تقاضا به طور جدی افزایش پیدا کند، یعنی یکسان‌سازی نرخ ارز تقاضای [illegible]

از بازار آزاد وارد خواهد آمد و با توجه به محدودیت ارزی دولت، کمبود عرضه ایجاد خواهد شد. یعنی اگر بانک مرکزی کنترل نرخ ارز را به واقع کنار بگذارد (چون اطمینانی به اینکه بانک مرکزی کنترل نرخ ارز را که ادعا می‌کند باید آزاد باشد را رها کند وجود ندارد) و تقاضای ارز بالا برود، نرخ ارز از این نرخ مصوب بیشتر خواهد بود و باید منتظر نرخ ارز ۸۰۰ به بالا در بازار آزاد باشیم. اما این مطلب که حتما تقاضای جدید ارز ایجاد خواهد داشت خیلی مشخص نیست چون نرخ فعلی بالاست برای شرکت‌های بخش خصوصی صرف نمی‌کند که برای این ارز تقاضا کنند مگر آنکه در جامعه بی‌انضباطی جدیدی به وجود آید که بتوانند از رانت جدید استفاده کنند و قیمت‌های داخلی به شدت افزایش پیدا کند، اگر چنین شود ممکن است تقاضای ارز افزایش پیدا کند و فشار جدیدی بر روی تورم ایجاد شود و افزایش تورم ارز فشار جدیدی بر روی تورم داخلی خواهد داشت که در نهایت بی‌انضباطی اقتصادی هم بیشتر می‌شود.

یدالله دادگر : با شرایط موجود نباید در انتظار نتایج قابل توجهی بود

محسن رنانی: کنترل نرخ ارز در ایران به دو نرخی‌شدن آن می‌انجامد

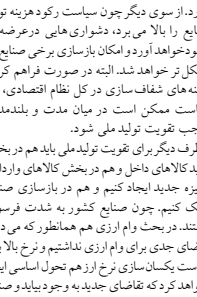

**آقای دکتر با این تفاسیر آیا می‌شود گفت که یکسان‌سازی نرخ ارز موجب تقویت تولید ملی می‌شود؟**

اجرای چنین سیاستی ممکن است در اقتصادهای سالم و باثبات باعث تقویت تولید ملی شود، اما امکان تحقق این امر در ایران و حداقل در کوتاه مدت وجود ندارد. از سوی دیگر چون سیاست رکود هزینه تولید صنایع را بالا می‌برد، دشواری‌هایی در عرصه به وجود خواهد آورد و امکان بازسازی برخی صنایع نیز مشکل‌تر خواهد شد. البته در صورت فراهم کردن زمینه‌های شفاف‌سازی در کل نظام اقتصادی، این سیاست ممکن است در میان مدت و بلندمدت موجب تقویت تولید ملی شود.

از طرف دیگر برای تقویت تولید ملی باید هم در بخش تولید کالاهای داخل و هم در بخش کالاهای وارداتی، انگیزه جدید ایجاد کنیم و هم در بازسازی صنایع کمک کنیم. چون صنایع کشور به شدت فرسوده هستند. در بحث وام ارزی هم همانطور که می‌دانید تقاضای جدی برای وام ارزی نداشتیم و نرخ بالا بود. سیاست یکسان‌سازی نرخ ارز هم تحول اساسی ایجاد نخواهد کرد که تقاضای جدید به وجود بیاید و صنایع بازسازی شوند و سرمایه‌گذاری جدیدی صورت [illegible]

بر روی تولید اثرگذار باشد ولی درمیان مدت اگر آن لوازم و ساختارها درست شوند احتمال دارد که باعث افزایش تولید ملی شود و بنابراین نمی‌شود خیلی به سیاست یکسان‌سازی نرخ ارز در مدتی کوتاه امیدوار بود.

**در پوشش که قبل از این در مورد توان عرضه ارز از سوی دولت مبتنی بر میزان تقاضا داشتیم به سیاست بانک مرکزی مبنی بر کنترل نرخ ارز اشاره کردید. بانک مرکزی چه نقشی می‌تواند در یکسان‌سازی نرخ ارز داشته باشد؟**

اگر صورت شد که نرخ ارز باید یکسان شود و نرخ ارز در اختیار بازار قرار بگیرد منطق اقتصادی حکم می‌کند که بانک مرکزی دیگر درنرخ ارز و بازار ارز دخالت نکند و آن را در اختیار بازار قرار دهد. ولی پیش‌بینی من این است که با توجه به تجربیات گذشته بانک مرکزی، معمولا درمورد نرخ مورد نظر دخالت می‌کند و این با سیاست اعلام شده همخوانی ندارد. البته چون بانک مرکزی می‌خواهد یک نرخی را تثبیت کند دخالت می‌کند زیرا بانک مرکزی به دنبال شفاف‌سازی حساب‌های خود است و در واقع بانک مرکزی می‌خواهد وضعیت شاخص‌های خود را شفاف کند و این زمانی در کل اقتصاد مفید و موثر خواهد بود که مجموعه بخش‌های دیگر اقتصاد را مانند بخش مالی اقتصاد، سیاست‌های دولت را نیز در نظر بگیرد ولی چون بانک مرکزی عملا سیاست‌های پولی را کنترل می‌کند نرخ ارز را در وضعیتی که معتقدند حفظ می‌کند بنابراین از نظر ظاهر قانونی یک عدم سازشی وجود دارد و از نظر پیوند با سایر بحث‌های اقتصاد باید بر روی آن مطالعه صورت بگیرد.

به عبارتی منظورم این است که اگر هدف شفاف‌سازی حقیقی اقتصادی است، بانک مرکزی باید دخالت نکند، ولی در واقع پیش‌بینی خود بانک مرکزی این است که اگر نرخ ارز رها شود نرخ ارز بیش از حد بالا خواهد رفت و در واقع علت اینکه بانک مرکزی در بازار ارز دخالت می‌کند می‌خواهد نرخ ارز را ثابت نگه دارد و این امر نشان می‌دهد که اصولا سیستم آزادسازی نرخ ارز در کشور ما به صورت حقیقی کارساز نیست چنانچه نیاز به دخالت بانک مرکزی احساس می‌شود پس نباید دنبال سیاست آزادسازی نرخ ارز بود و به نظر من مطالعات بیشتری درمورد سیاست یکسان‌سازی نرخ ارز باید صورت بگیرد.

### احمد میدری: این یکسان‌سازی نرخ ارز نیست

احمد میدری، عضو کمیسیون اقتصادی مجلس و اقتصاددان معتقد است این یکسان‌سازی نرخ ارز که در بودجه سال ۱۳۸۱ به آن عمل خواهد شد در واقع یک عملیات حسابداری است و برای واقعی عمل کردن به یکسان‌سازی نرخ ارز دو پیش زمینه لازم است و آن رقابتی‌تر کردن اقتصاد و شفافیت بیشتر اقتصادی است.

**به نظر شما یکسان‌سازی نرخ ارز مطرح شده در بودجه سال ۱۳۸۱ چه تحولی در اقتصاد کشور ایجاد خواهد کرد؟**

به نظر من این گونه یکسان‌سازی هیچ گونه تاثیری در اقتصاد نخواهد داشت.

**چطور؟**

این یکسان‌سازی که در بودجه عمل شده است در واقع یک عملیات حسابداری است و قرار نیست نرخ ارز به طور واقعی در اقتصاد ایران یکسان شود. زیرا یکسان‌سازی نرخ ارز وقتی به صورت واقعی خواهد بود که شما معادل ریالی نرخ ارز را در اختیار سازمان‌های مختلف قرار دهید و آنها بین خرید داخلی و خارجی حق انتخاب داشته باشند. ولی در بودجه سال آینده به این شکل عمل نخواهد شد. یعنی به دستگاه‌های دولتی همچنان بودجه ارزی تخصیص داده می‌شود و آنها مایحتاج خود را از خارج خریداری خواهند کرد. اما معادل ریالی که در بودجه برای آنها در نظر گرفته شده بانرخ یکسانی است. بنابراین، این یک نوع تغییر حسابداری در بودجه خواهد بود. بنابر اطلاعاتی که من دارم، دولت به این شکل دارد بودجه را تغییر می‌دهد و این امر اثرات واقعی در اقتصاد به جای نمی‌گذارد. چون این کار، کار صوری است. ببینید مثلا وزارت بازرگانی دو میلیارد دلار کالا خریداری می‌کند. این دو میلیارد دلار را شما می‌توانید در بودجه بنویسید ضربدر ۷۷۵ تومان، می‌توانید بنویسید ضربدر ۷۹۰ تومان. این هیچ تغییر در اقتصاد نمی‌دهد.

**بنابراین به نظر شما این عمل هیچ گونه تاثیرات مثبت یا منفی ندارد؟**

چرا، تاثیر که دارد. یک مقدار حجم بودجه شفاف‌تر و اندازه دولت در اقتصاد ایران مشخص‌تر شده است. یعنی بودجه پارسال ۴۵ هزار میلیارد تومان بود چون نرخ ارز در بخشی از خریدهای خارجی ۱۷۵ تومان بود ولی امروز یک مرتبه بودجه دولت ۶۶ هزار میلیارد [illegible]

Please purchase PDF Split-Merge on www.verypdf.com to remove this watermark

یکسان‌سازی نرخ ارز

# راهگشا بگویید معضل‌ساز ببینید

**اگر بخواهیم نرخ ارز را به طور واقعی یکسان کنیم، چگونه باید عمل کرد؟**

یکسان سازی نرخ ارز نوعی حاکم کردن ساز و کار قیمت ها بر تخصیص منابع است. یعنی وقتی که سیستم ارزی شما دارای دو نرخ است، به جای اینکه عرضه و تقاضا تعیین کننده نرخ ارز باشد و قیمت ارز در بازار تعیین شود، دولت، حداقل یکی از آن نرخ ها را تعیین می کند. وقتی که نرخ ارز را بازار تعیین می کند، این بازار است که تصمیم می گیرد چه کالایی و به چه مقداری وارد شود. اما سیستم دو نرخی به آن معناست که بخشی از آن را حداقل یک نهاد دیگر غیر از بازار، مثل دولت، تعیین می کند. بنابراین بحث یکسان سازی نرخ ارز به این معناست که ما یک سیستم تخصیص منابع را به یک سیستم دیگر تغییر دهیم.

**شرایط یکسان‌سازی نرخ ارز یا همان تغییر سیستم تخصیص منابع از یک نظام نابازاری به یک سیستم بازاری چیست؟**

هر کدام از این دو سیستم دارای منافع و مضراتی هستند. برای اینکه هر کدام از این دو سیستم عملکرد موفقیت آمیزی داشته باشند، مقدماتی لازم است. یعنی نظام بازار در تعیین نرخ ارز در هر شرایطی بهترین نظام نیست و نظام غیر بازار هم تحت هر شرایطی بدترین نظام نیست. یکی از مقدمات برای استقرار نظام بازار در تعیین نرخ ارز، نبودن انحصار یا انحصارزدایی در حوزه های مختلف اقتصاد ایران است. ما در بخش هایی از اقتصاد ایران دارای انحصارهای شدید هستیم، مثلا در خریدهای خارجی کالاهای اساسی، سالانه بیش از دو میلیارد دلار کالاهای اساسی مثل گندم، برنج، روغن، شکر، کود و دارو توسط دولت وارد می شود و سیستم به صورت کاملا متمرکز و انحصاری عمل می کند. البته این سیستم انحصاری معایبی دارد مثلا مصرف کننده نمی تواند به کالاهای مختلف دسترسی داشته باشد و آزادی انتخاب مصرف کننده سلب شده است. این خریدها هم به احتمال بسیار زیاد با قیمت های نامناسب و کیفیت غیربهینه انجام می شود یا به تعبیری بهترین خریدهای ممکن نیست.

**پیامدهای یکسان‌سازی نرخ ارز در این سیستم چیست؟**

در این سیستم، آزادسازی نرخ ارز تاثیرات مثبت چندانی ندارد. به این دلیل که باز همان انحصار محدود که در اختیار دو یا چند شرکت دولتی هست، تصمیم خواهند گرفت که با این پول از داخل خریداری کنند یا از خارج. البته معایبی هم که در سیستم تک نرخی وجود داشته در این سیستم هم می تواند باقی بماند. البته این احتمال وجود دارد که شرکت های دولتی که خریدهای خارجی انجام می دهند از بازار داخل هم خریداری کنند. اما این تنها یک احتمال است. به طور کلی گفته می شود که ساز و کار بازار که یکسان سازی نرخ ارز هم یک نوع حاکم کردن نظام یا ساز و کار بازار است، در شرایطی مثمرثمر خواهد بود که در یک نظام رقابتی اعمال شود. اما در خریدهای خارجی ما اساسا نظام رقابتی وجود ندارد.

**آیا به جز رقابتی کردن اقتصاد، مقدمات دیگری هم برای یکسان‌سازی نرخ ارز لازم است؟**

بله. یکی دیگر از این مقدمات، شفافیت اقتصادی است. منظور از شفافیت، انتشار دسته بندی شده اطلاعات به عموم مردم و مصرف کنندگان است. در هر حوزه‌ای که شفافیت اقتصادی وجود نداشته باشد، ساز و کار بازار لزوما به بهبود وضعیت اقتصادی و افزایش رفاه مصرف کنندگان منتهی نمی شود. مصداق این مسئله همان خریدهای دولتی است.

بنابراین با این شرایط به نظر من حرکت به سمت یکسان سازی نرخ ارز لزوما به وضعیت بهتر منجر نمی شود.

**حال برگردیم به بودجه سال ۸۱، در این شرایط و با این شیوه‌ای که دولت برای یکسان‌سازی نرخ ارز مطرح می کند، آیا دولت می تواند میزان عرضه و تقاضا را کنترل کند؟**

در شرایط کنونی اقتصاد ایران و با این نرخ هایی که برای ارز مطرح است، تقاضای زیاد بعید به نظر می رسد. دولت هم در سال گذشته برای فروش ارزی که داشت با آن قیمت های بازار بامشکل مواجه بود. به همین دلیل هم بانک های دولتی بخشی از ارزهای دولت را خریداری کردند. بنابراین برای سال آینده هم پیش بینی می شود که اضافه تقاضا نداشته باشیم و از این نظر بانک مرکزی با مشکلی روبه رو نخواهد شد.

## صدقیانی: دولت باید قانون نحوه یکسان‌سازی نرخ ارز را تدوین کند

قاسم مهرزاد صدقیانی نماینده سابق مجلس و از کارشناسان اقتصادی معتقد است؛ یکسان سازی نرخ ارز، عامل تورم نخواهد شد. اما لازم است در این اقدام تمامی جوانب کار بررسی شود:

**یکسان‌سازی نرخ ارزبه عنوان مهم ترین موضوع لایحه بودجه سال ۱۳۸۱ مطرح می‌شود، به نظر شما پیامدهای این امر چه می تواند باشد؟**

اولا باید ببینیم که چند نرخی بودن ارز چه مضراتی داشته است تا در مقابل آن ببینیم یکسان سازی نرخ ارز چه منافعی می تواند برای اقتصاد کشور داشته باشد. اثرات نامطلوب چند نرخی بودن ارز، کاهش صادرات و عدم توجه به تولید و نوآوری بود. بخش دولتی و خصوصی، بیشتر در صدد واردات بودند و سعی می کردند کالاهای خارجی را با ارز ارزان قیمت، به اصطلاح ارز دولتی، بخرند و در بازار آزاد یا بازار سیاه به فروش برسانند که بازار سیاه هم از نتایج این چند نرخی بودن ارز است. از طرفی این امر رانت خواری های عظیمی را به وجود آورده است که الان هم دامنگیر اقتصاد، اجتماع و سیاست ماست. از مضرات دیگر چند نرخی بودن ارز می توان به ورود و صدور کالای قاچاق اشاره کرد. مقادیر مختلفی از کالاهایی چون دارو، حتی گندم و آرد با ارز دولتی و ارزان وارد می شد و دوباره از طریق مرزهای غیرقانونی از کشور خارج می شد. بعد هم که آلوده کردن مردم به درآمدهای بادآورده است که نمونه های آن را اخیرا مسئولان قضایی اعلام می کنند.

حال، اگر ما بتوانیم تک نرخی بودن ارز را اعمال کنیم و پایدار هم باشد، تمام این مسایل حل می شوند و آنها که سرمایه دارند و به دنبال کسب درآمد مشروع هستند به تولید داخلی فکر می کنند و مجبور می شوند نوآوری کنند و کالایی بسازند که با کالاهای خارجی قابل رقابت باشد. ما امیدواریم که این نتایج تک نرخی بودن ارز هرچه زودتر خودش را در اقتصاد ما نشان بدهد. اما لازم است مسئولان و نمایندگان با کسانی که سال ها در این زمینه مطالعه کرده‌اند، گفت وگوهای دو و چند جانبه انجام بدهند تا بتوانند تمام جوانب آن را بسنجند.

**به نظر شما این عمل باعث افزایش قیمت‌ها و ایجاد تورم نمی‌شود؟**

البته ممکن است برای عده‌ای این سوءتعبیر پیش بیاید. اما باید گفت خواه ناخواه تورم در اقتصاد ما هست. اما تک نرخی شدن ارز عامل تورم نخواهد شد. زیرا که در همین امسال، بخش خصوصی کلا از ارز واریزنامه‌ای استفاده کرده است و نه ارز دولتی. ارزی که الان به نرخ دولتی اعمال می شود حدود ۵/۵ میلیارد دلار است که یک مقداری از آن بابت بدهی های خارجی پرداخت می شود. یک مقدار هم بابت کالاهای اساسی که دولت از طریق یارانه، آن را دوباره به مردم برگشت خواهد داد. البته به نظر من دولت باید لایحه‌ای در مورد چگونگی اعمال و اجرای یکسان سازی نرخ ارز تهیه و مجلس آن را تصویب کند تا با یک قانون مصوب بتوانند این کار را جاری کنند. البته باید توجه کنیم که گرچه تعادل بودجه از نظر درآمد و هزینه هم از نتایج ارز تک نرخی خواهد بود اما ما باید تعرفه های بازرگانی را طوری تنظیم کنیم که دچار نوسانات شدید نشود.

**به نظر شما زمینه های اجرای این امر در اقتصاد ما مهیاست؟**

این سیاستی که الان به تک نرخی سازی رسیده، در واقع از سال ۷۹ شروع شده است. در این مدت ، دولت به تدریج کارهایی را انجام داد تا به امروز رسید. این تصمیم، امروز گرفته نشده است. سیاست های مالی، پولی و اقتصادی سال های ۷۹ و ۸۰ مقدمه این کار بوده است. البته در سالی که الان هستیم دولت ذخیره ارزی دارد و با این ذخیره ارزی می تواند در موارد لزوم به کمک بازار برسد و از نوسانات قیمت جلوگیری کند. بنابراین به نظر من ما نمی توانیم بگوییم که با اجرای این سیاست، هیچ مشکلی پیش نمی آید. اما مشکل چندان هولناکی هم پیش رو نخواهیم داشت.

## دکتر رنانی: یکسان‌سازی نرخ ارز با کنترل آن توسط دولت منافات دارد

دکتر محسن رنانی، استاد اقتصاد دانشگاه اصفهان و معاون پژوهشی مرکز پژوهش های مجلس یکسان سازی نرخ ارز را در بلندمدت مثبت ارزیابی می کند.

**یکسان‌سازی نرخ ارز چه تحولی می تواند در اقتصاد کشور ایجاد کند؟**

این امر موجب چهار تحول مشخص در اقتصاد کشور خواهد شد. اول اینکه یکسان سازی نرخ ارز موجب واقعی سازی قیمت ها و بنابراین شفاف سازی هزینه ها و در نتیجه کاراترشدن فعالیت های اقتصادی خواهد شد. بعد هم آشکارشدن رانت های پنهان و حذف مدیرانی است که توانایی آنها تنها با استمرار رانت های نفتی برجسته بوده است ولی بدون رانت کارایی ندارند. البته تسهیل مناسبات تجاری با خارج از کشور و روان شدن صادرات و واردات و همچنین واقعی شدن افق تصمیم گیری برای سرمایه گذاری از دیگر پیامدهای یکسان سازی نرخ ارز است.

**در شرایط فعلی و تورم اعلام شده ۱۲ تا ۱۴ درصد، آیا یکسان‌سازی نرخ ارز سبب افزایش قیمت‌ها و کاهش تولید ناخالص داخلی نمی‌شود؟**

احتمالا در کوتاه مدت در برخی صنایع و زمینه هایی که درصد ارز دولتی و یارانه‌ای در آنها بالاست، با افزایش هزینه و بنابراین با افزایش قیمت ها روبه رو هستیم. اما در بلندمدت می تواند آثار مثبتی بر تورم و قطعا GNP داشته باشد.

**در صورت یکسان‌سازی نرخ ارز، دولت چقدر توان دارد با پاسخگویی به میزان عرضه و تقاضای ارز، نرخ آن را کنترل کند؟**

مگر قرار است دولت نرخ ارز را کنترل کند؟ کنترل نرخ ارز در ایران قطعا به دو نرخی شدن آن منجر خواهد شد. یکسان سازی در ایران با کنترل منافات دارد. البته در کشورهای دارای اقتصاد، قوانین و نظام اداری سامان یافته و به ویژه دارای بخش پولی یکپارچه، این کار تا حدودی و برای حداکثر میان مدت امکانپذیر است. یعنی می توانند نرخ ارز را به صورت شناور تثبیت شده نگه دارند. اما در ایران این کار ناشدنی است و هرگونه کنترل به دو نرخی شدن می انجامد. چون همین که بحث کنترل پیش آمد، باید توان کنترل نیز پشت سر آن باشد. باید اندیشید که دولت تا چه مدت حاضر است و توان دارد برای تثبیت ارز بازار، ارز به بازار تزریق یا از آن خارج کند (خریداری کند). در کشورهای مثل ایران که همه چیز به درآمد نفتی آن بستگی دارد، چگونه دولت می تواند این درآمد حیات بخش را به سادگی به بازار تزریق کند. حداکثرش این است که دولت یک دامنه‌ای را به صورت کف و سقف نرخ برای ارز مشخص کند و بکوشد با هدایت بازاری، یعنی خرید و فروش ارز در بازار و نه با صدور احکام آمرانه، نرخ ارز را در این دامنه نگه دارد.

## دکتر قنبری: یکسان‌سازی نرخ ارز تاثیری بر افزایش قیمت‌ها ندارد

دکتر علی قنبری نایب رییس کمیسیون برنامه و بودجه و محاسبات مجلس، یکسان سازی نرخ ارز را یکی از جریان های مهم اقتصادی در جهت اصلاح ساختاری بودجه سنواتی می داند.

**به نظر شما یکسان‌سازی نرخ ارز چه پیامدهایی در اقتصاد کشور خواهد داشت؟**

قطعا آثار مثبتی خواهد داشت و جلوی خیلی از مفاسد و معضلاتی که در اثر دو یا چند نرخی بودن ارز در اقتصاد ایجاد شده بود، گرفته می شود. این کار حرکت به سمت و سوی اقتصادی آزاد و رقابتی و خصوصی سازی را تسهیل می کند. گرچه دولت تلاش می کند که به نحوی عمل کند که این یکسان سازی نرخ ارز سبب افزایش قیمت ها نشود اما من معتقدم مکانیزم قیمت ها می تواند به نحو مناسب عمل کند به شکلی که تخصیص منابع به صورت مطلوبی در جامعه صورت بگیرد.

**گفته می شود باتوجه به تورم موجود احتمالا افزایش قیمت ها و کاهش تولید ناخالص داخلی را در پیش خواهیم داشت. به نظر شما این گونه نیست؟**

نه، چنین نخواهد شد. چون دولت مابه التفاوت هزینه ها را پرداخت می کند، یکسان سازی نرخ ارز نمی تواند تاثیر قابل توجهی در نرخ تورم و به خصوص افزایش قیمت ها در بحث واردات داشته باشد. من فکر می کنم که الان دولت و مجلس با آگاهی و درایت و فرصت کافی برای این امر مهم و این اصلاح ساختاری عمل می کنند که قطعا نتایج مثبتی را به دنبال خواهد داشت.